

کالبدتناسی معاملات با امواج الیوت

کنید: «آیا یک الگوی موجی را تشخیص می‌دهم؟». بایستی یکی از پنج الگوی امواج الیوت را مشاهده نمایید:

موج انگیزشی، قطری، زیگزاگ، مسطح یا مثلث. این اشکال را به پایه و اساس تمام معاملات خود بدل کنید و هنگامی که با آن‌ها آشنا شوید می‌توانید به سرعت آن‌ها را شناسایی و بدان‌ها اعتماد کنید.

یک سؤال ساده‌تر، «موجی محرک یا موج اصلاحی می‌بینید؟». امواج انگیزشی جهت روند را تعریف می‌کنند. دو نوع امواج محرک وجود دارد: امواج انگیزشی و قطری.

امواج اصلاحی، حرکتی خلاف روند بزرگ‌تر دارند. سه نوع امواج اصلاحی شامل زیگزاگ‌ها، مسطح‌ها و مثلث‌ها هستند. اگر به درستی قادر به تمایز و شناسایی موج انگیزشی در مقابل موج اصلاحی باشید، می‌تواند برای دستورات معاملاتی شما مفید باشد. در این فصل به بررسی چگونگی استفاده از اجزای کلیدی در تجزیه و تحلیل و معاملات می‌پردازیم تا به معامله‌گری همواره

هنگام تدریس اصول امواج بیان می‌کنم که تجزیه و تحلیل و معامله دو مجموعه مهارت مختلف هستند. اگرچه ممکن است شما یک تحلیلگر با استعداد باشید، اما این بدان معنا نیست که معامله‌گری موفق یا بالعکس باشید. من بیش از چندین سال راه سختی را برای ماهرشدن در زمینه تجزیه و تحلیل طی نموده‌ام، درحالی‌که معاملات موفق از من یک استاد ساخته است.

هنگامی که معاملات می‌آیند، هیچ راه درست یا غلطی وجود ندارد. تحمل ریسک یک معامله‌گر با معامله‌گر دیگر کاملاً متفاوت است. چارچوب زمانی، اندازه سبد سهام و بازارهای معامله نیز متفاوت خواهد بود؛ بنابراین دستورالعمل‌های ارائه شده در این فصل مخصوص معاملات با امواج الیوت بوده که فقط دستورالعمل هستند، اما آن‌ها سالیانی متمادی به من خدمت کرده‌اند.

بهترین توصیه من این است که در جستجوی فرصت‌های معاملاتی باشید و جستجوی خود را با پرسیدن این سؤال شروع

نکته کلیدی

تجزیه و تحلیل، تسلط بر مشاهدات است، درحالی‌که معامله موفق تسلط بر خود است.

است و درعین حال هر یک از آن‌ها به یک دلیل عمده فاقد کارایی لازم هستند: آن‌ها دامنه درک یک معامله‌گر را نسبت به واکنش فعلی قیمت محدود می‌کنند و چگونگی تصویر کلی بازار را بازگو می‌کنند. به عنوان مثال فرض کنید که MACD در سهام XYZ مثبت است که نشان می‌دهد روند حرکتی قیمت‌ها رو به بالا است. این اطلاعات مفید است، اما اگر نتواند به پاسخ دادن به این پرسش کمک کند، نمی‌تواند مفیدتر باشد: آیا این یک روند جدید است یا یک روند قدیمی؟ اگر این روند افزایشی است تا چه حد بالا می‌رود؟

اکثر مطالعات تکنیکی اطلاعاتی از قبیل کمال روند و هدف قیمت را معلوم نمی‌کنند (اما قواعد امواج چنین کاری انجام می‌دهد).

پنج روش قواعد امواج برای بهبود معاملات

۱. روند به وسیله قاعده امواج شناسایی می‌شود.
۲. حرکت ضد روند قیمت‌ها نسبت به روند نزولی بزرگ‌تر شناسایی می‌کند.
۳. بلوغ روند تعیین می‌شود.
۴. با اطمینان بالا اهداف قیمت را مشخص می‌کند.
۵. نقاط خاص نامعتبر را نشان می‌دهد.

موفق بدل شوید. به طور خاص به این مسئله می‌پردازیم که چگونه قاعده امواج باعث بهبود معاملات می‌شود، کدام موج برای معامله کردن بهتر است، از کدام دستورات عمل‌ها برای معامله با الگوهای خاص امواج الیوت استفاده کنیم و چرا روان‌شناسی معاملاتی و مدیریت ریسک مهم هستند.

چگونگی بهبود عملکرد معاملاتی با قواعد کلی امواج

هر معامله‌گر، تحلیلگر و هر تکنسینی دارای تکنیک‌هایی مورد علاقه خود است که هنگام معاملات از آن‌ها استفاده می‌کند. اجازه دهید قواعد امواج خودم را توضیح دهم.

بهبود مطالعات تکنیکالی سنتی توسط قواعد امواج

سه دسته مطالعات تکنیکی وجود دارد: اندیکاتورهای دنبال‌گر روند، اسیلاتورها و اندیکاتورهای گرایشی. اندیکاتورهای دنبال‌گر روند شامل میانگین متحرک، میانگین متحرک همگرایی - واگرایی (MACD) و شاخص جهت حرکت (ADX) هستند. تعداد اندکی از اسیلاتورهای محبوب‌تر نظیر stochastic، rate-of-change و شاخص کانال کالا (CCI) مورد استفاده روزانه معامله‌گران قرار می‌گیرد. اندیکاتورهای گرایشی شامل put-call ratios و Commitment of Traders report data هستند.

مطالعات تکنیکی مانند روشن کردن راه برای معامله‌گران

۱. شناسایی روند

اصلاح قیمت‌ها فرصت‌هایی را در جهت روند بزرگ‌تر بازار در اختیار معامله‌گران قرار می‌دهد. با آگاهی از الگوهای اصلاحی سه موجی الیوت (زیگزاگ، مسطح‌ها و مثلث) قادر خواهید بود در عقب‌نشینی‌های روند صعودی خرید کنید و در جستن روند نزولی بفروشید که یک استراتژی معاملاتی به اثبات رسیده و موفق بوده است. مطمئن شوید که حرکت قیمت‌ها حرکتی ضد روند است و می‌توانید فرصت دوباره‌ای در روند پیدا کنید.

۳. تعیین بلوغ روند

رالف نلسون الیوت بیان داشت که الگوهای موجی به صورت نسخه‌های بزرگ‌تر و کوچک‌تر خود درمی‌آیند. این تکرار در ترکیب همان‌طور که در شکل ۱,۱ نشان داده شده بدان معنی است که فعالیت قیمت دچار هرج و مرج شده است. موج (۱) به پنج موج کوچک تقسیم شده و درعین حال بخشی از یک الگوی پنج موجی بزرگ‌تر است. چقدر این اطلاعات مفید است؟ این مسئله کمک می‌کند تا معامله‌گران بلوغ روند را تشخیص دهند. برای مثال قیمت‌ها در موج ۵ از پیشروی پنج موجی قرار دارد و موج ۵ در حال تکمیل شدن به صورت سه یا چهار موج کوچک‌تر است؛ در این صورت یک معامله‌گر می‌داند که بهترین زمان برای اضافه کردن به قراردادهای آتی خرید نیست. در عوض ممکن است زمان گرفتن سود یا دست‌کم بالا بردن دستور توقف باشد.

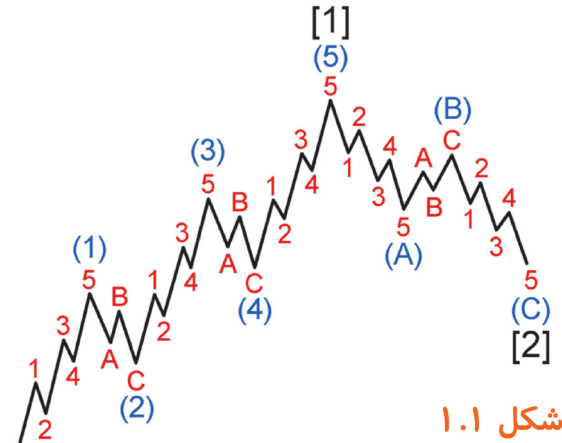
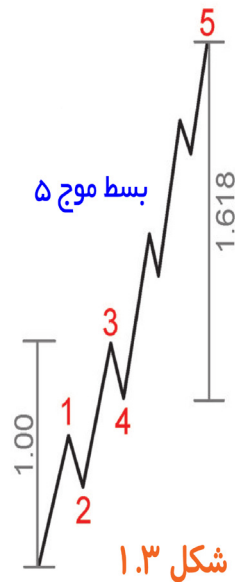
«جنبش قیمت در جهت یکسان به صورت یکی از روندهای بزرگ‌تر در پنج موج ایجاد می‌شود»

قاعدهٔ امواج الیوت Frost و Prechter بر این مبنا است که امواج را بایستی در جهت روند غالب شناسایی کنید. به وسیلهٔ پنج موج پیش‌رونده، روند کلی رو به بالا شناسایی می‌شود. در مقابل، کاهش پنج موجی تعیین می‌کند که روند نزولی بزرگ‌تری وجود دارد. چرا این اطلاعات مهم است؟ از آنجاکه معامله جهت روند غالب آسان‌تر است و آن مسیر دارای کمترین مقاومت است، بدون شک این گفته توضیح داده می‌شود که «روند دوست شما است». معامله با جهت روند بسیار ساده‌تر از تلاش برای انتخاب سقف‌ها و کف‌ها در یک روند است. همچنین این کار کوششی دشوار است که انجام مداوم آن تقریباً غیر ممکن است.

۲. شناسایی ضد روند

«واکنش قیمت‌ها در برابر یک روند بزرگ‌تر در سه موج ایجاد می‌شود»

قاعدهٔ امواج الیوت فراست و پرچر بیان می‌دارد که به وسیلهٔ قواعد امواج می‌توان حرکات ضد روند را شناسایی نمود. الگوی سه موج اصلاحی، واکنشی به موج انگیزشی پیشین است. آگاهی از این که حرکت اخیر قیمت‌ها تنها یک تصحیح در روند بزرگ‌تر بازار است به خصوص برای معامله‌گران مهم است؛ زیرا



از آنجا که قواعد امواج مشخص کننده روند، ضد روند و بلوغ روند است، جای تعجب نیست که قواعد امواج نیز نشان دهنده بازگشت روند غالب باشند. هنگامی که یک حرکت ضد روند در سه موج (ABC) ظاهر می شود، این ساختار می تواند نقطه‌ای باشد که روند غالب از سر گرفته شود؛ به عبارت دیگر فعالیت مفرط قیمت‌ها به موج B منتهی شود.

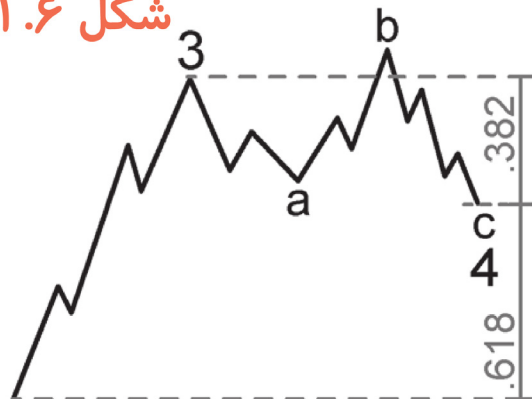
دانستن دقیق زمان از سرگیری روند، سودی اضافه به ارمغان می آورد؛ در این صورت احتمال یک معامله موفق بیشتر از زمانی است که با مطالعات تکنیکی سنتی همراه شوید.

۴. تعیین اهداف قیمت

حقیقتاً مطالعات تکنیکی سنتی اهداف قیمت را ارائه نمی کند؛ در حالی که قواعد امواج چنین شرایطی را فراهم می کند.

هنگامی که رالف نلسون الیوت مطالبی در مورد قواعد امواج در قانون طبیعت نوشت، اظهار داشت که دنباله فیبوناچی اساس ریاضی قواعد امواج است. امواج الیوت (هم انگیزشی و هم اصلاحی) پایبند به نسبت‌های خاص فیبوناچی هستند. برای مثال هر سه موج انگیزشی تمایل دارند که با ریاضیات فیبوناچی مقارن شوند، خواه به نسبت برابر، ۱،۶۱۸ یا ۲،۶۱۸ (معکوس آن‌ها ۰،۶۱۸ و ۰،۳۸۲). به اشکال ۱،۲، ۱،۳، ۱،۴ و نگاه کنید.

شکل ۱.۶



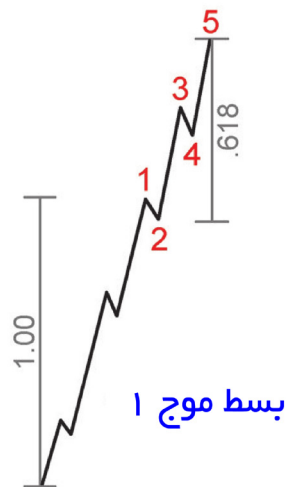
اصلاح قیمت‌ها اغلب تا درصدهای فیبوناچی موج قبلی است. این مناطق فیبوناچی به معامله‌گران اجازه می‌دهد تا اهداف بازده خود را تعیین و مناطق احتمالی حرکت بعدی قیمت‌ها را شناسایی نمایند (به شکل ۱،۵ و ۱،۶ نگاه کنید).

۵. نقاط خاص نامعتبر را نشان می‌دهد.

تجزیه و تحلیل امواج نقاط خاص نامعتبر را روشن می‌کند. دانستن زمانی که در اشتباه هستید، شاید مهم‌ترین بخش اطلاعات معامله‌گر باشد. معاملات در چه مقطعی ناکام می‌شود؟

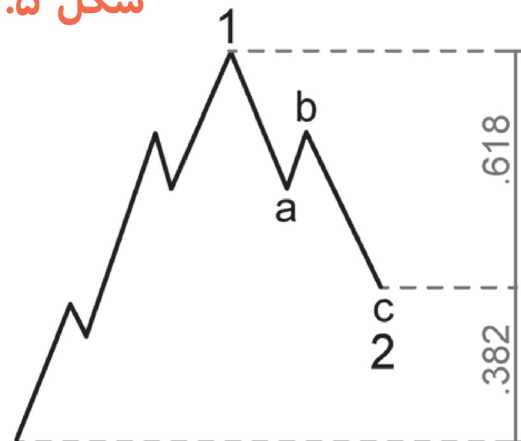
بسیاری از معامله‌گران از قوانین مدیریت سرمایه برای تعیین پاسخ این سؤال استفاده می‌کنند، چراکه مطالعات تکنیکی حقیقتاً جوابی ارائه نمی‌دهد. با این حال قواعد امواج بیان می‌کند (در قالب قانون سه موج انگیزشی الیوت):

قانون ۱: موج ۲ هرگز نمی‌تواند بیش از ۱۰۰ درصد موج ۱ به



شکل ۱.۴

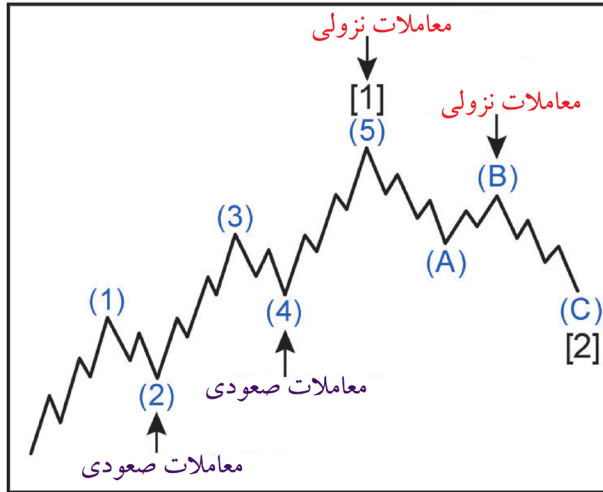
شکل ۱.۵



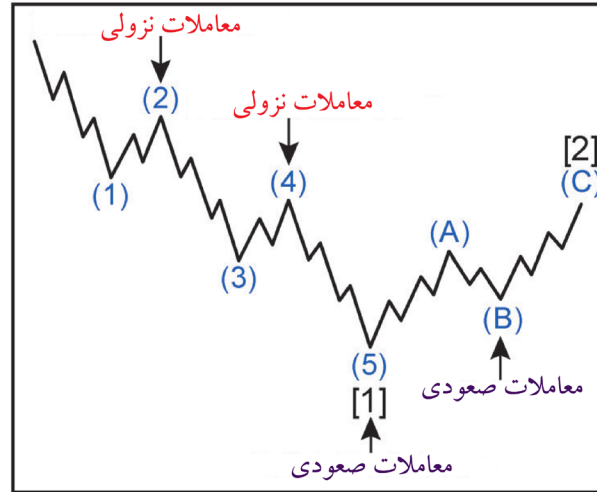
نکته کلیدی

دانستن زمانی که در معامله‌ای اشتباه هستید، مهم‌تر از دانستن زمانی است که در معامله‌ای درست قرار دارید.

زمینه‌چینی معاملات با امواج الیوت



زمینه‌چینی معاملات در بازار صعودی



زمینه‌چینی معاملات در بازار نزولی

۱ باشد. درک این نوع راهنمایی بدون دانستن چارچوب قواعد امواج دشوار است.

چهارتا از بهترین امواج برای معامله

امواج ۳، ۵، C، A دارای منافع معاملاتی بیشتری هستند، چراکه آن‌ها به جهت روند بزرگ‌تر گرایش دارند. شانس معامله‌گرانی که قراردادهای آتی خرید در بازارهای افزایشی (و قرارداد آتی فروش در بازارهای کاهش‌ی) بازکرده‌اند بیشتر از فروشندگان قرارداد آتی فروش در بازارهای افزایشی (و خریداران در بازارهای کاهش‌ی) است. به‌طورکلی معامله در جهت روند بازار مسیری است که

عقب برگردد.

قانون ۲: موج ۴ هرگز نمی‌تواند در قلمرو موج ۱ به پایان برسد.

قانون ۳: از سه موج انگیزشی (امواج ۱ و ۵)، موج ۳ هرگز

نمی‌تواند کوتاه‌ترین موج باشد.

نقض هر یک از این قوانین نشان می‌دهد که موج شماری نادرست است. معامله‌گران چگونه می‌توانند از این اطلاعات استفاده کنند؟ اگر مطالعه تکنیکی هشدار می‌دهد که قیمت‌ها رو به بالا برمی‌گردد و این الگوی موجی یک عقب‌نشینی در موج دوم است، معامله‌گر می‌داند در چه مرحله‌ای از معامله با شکست مواجه خواهد شد: حرکت قیمت‌ها فراتر از مبدأ موج

دارای حداقل موانع است.

قواعد امواج به شناسایی معاملات با اطمینان بالا در موقعیت‌های کمتر قابل اطمینان که معامله‌گران باید آن‌ها را نادیده بگیرند کمک می‌کند. به یاد داشته باشید که حرکت پنج موجی تعیین‌کننده جهت روند بزرگ‌تر است، درحالی که حرکت سه موجی فرصت‌هایی را در اختیار معامله‌گران قرار می‌دهد تا به روند بپیوندند؛ بنابراین در شکل ۱،۷، امواج (۲)، (۴)، (۵) و (B) در واقع برای تنظیم معاملات با اطمینان بالا و جهت بهره‌برداری از امواج (۳)، (۵)، (A) و (C) به کار گرفته می‌شوند.

برای مثال، عقب‌نشینی در موج (۲) فرصتی معاملاتی در جهت موج (۳) است و موج (۵) مجالی برای باز کردن قرارداد آتی فروش در موج (A) است. معامله‌گران می‌توانند با ترکیب اصول امواج با تجزیه و تحلیل تکنیکی سنتی، احتمال یک معامله موفق را بهبود ببخشند.

با مطالعات تکنیکی می‌توانید فرصت‌های معاملاتی بسیاری را انتخاب کنید، اما اصول امواج کمک می‌کند تا معامله‌گران موقعیت‌هایی با احتمال موفقیت بیشتر را تشخیص دهند. علت این است که قواعد امواج چارچوب‌هایی درزمینه تاریخچه، اطلاعات جاری و نگاه زیرکانه به آینده فراهم می‌کند.

معاملات با امواج الیوت

نمودار بعدی (شکل ۱،۷ را ببینید) نسخه‌های صعودی و نزولی از زمینه‌چینی معاملات را نشان می‌دهد. در هر یک، امواج (۲)، (۴)،

(۵) و (B) چهار فرصت معاملاتی را بر اساس اصول اولیه الیوت بیان می‌دارد. این امواج اصلاحی به معامله‌گر فرصتی برای پیوستن مجدد به روند بزرگ‌تر ارائه می‌کند. معاملات در چنین روندهایی به این صورت است که معامله‌گر در عقب‌نشینی روند صعودی اقدام به خرید می‌کند و در جستن روند نزولی آن را به فروش می‌رساند.

زمان معامله با اصلاحی‌ها

امواج اصلاحی به دلیل پیچیدگی‌های بالقوه خود فرصت‌های معاملاتی مطلوب کمتری ارائه می‌کنند. در امواج انگیزشی که معرف روند حرکتی قیمت هستند، قیمت‌ها معمولاً سفر دوردست‌تری دارد. در مقابل، الگوهای اصلاحی نوسان بیشتری دارند و می‌توانند به آرامی به انواع اشکال مانند زیگزاگ، مسطح، مسطح منبسط، مثلث، زیگزاگ دوگانه یا ترکیبی آشکار شوند. امواج اصلاحی به‌طور کلی حرکتی رو به پهلو دارند و اغلب نامنظم، وقت‌گیر و فرینده هستند؛ بنابراین معامله با امواج اصلاحی طاقت‌فرسا است و شانس اجرای یک معامله موفق در طول این نوع جنبش قیمت اندک است.

حتی اگر امواج اصلاحی را مشاهده نمایم و الگوها معاملات با اطمینان را نشان دهند، آنجا زمانی است که معامله با آن‌ها را در نظر می‌گیریم (اما به مدت‌زمان بالقوه اصلاح بستگی دارد). اگر پنج موج رو به بالا شمارش کنم (به‌عنوان مثال در نمودار ۱۵ دقیقه‌ای قیمت نفت خام)، امواج ۲ یا ۴ را به‌عنوان فرصت‌های

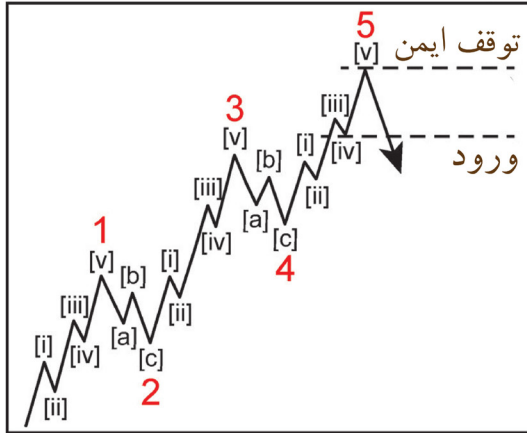
نکاتی برای سرمایه‌گذاران هوشمند

اجازه دهید بازار شما را متعهد به انجام کاری کند، قبل از آنکه شما بازار را متعهد کنید.

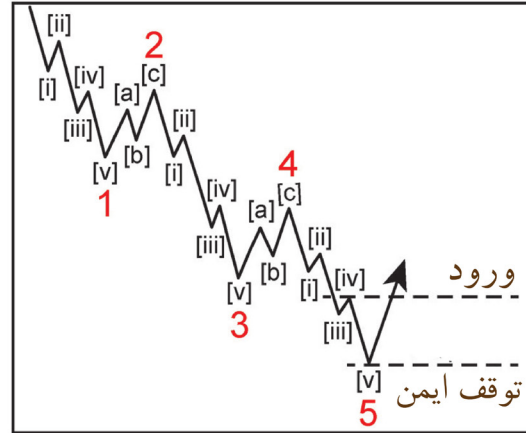
نکاتی برای سرمایه‌گذاران هوشمند

انتظار برای تأیید رفتار قیمت به معامله‌گران اجازه می‌دهد تا به استفاده از رویکردی مبتنی بر شواهد و تمرکز، توجه خود را به تنظیم معاملات با اطمینان بالا معطوف نماید.

امواج گرایشی



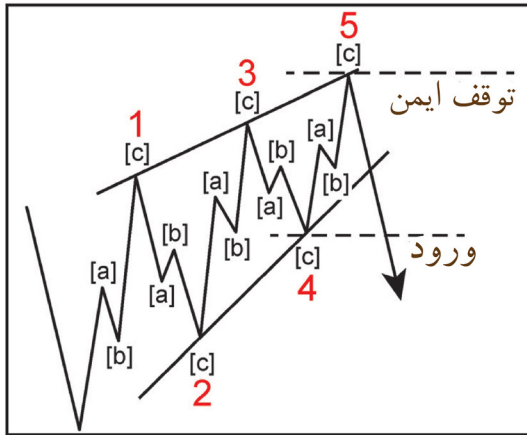
بازار صعودی



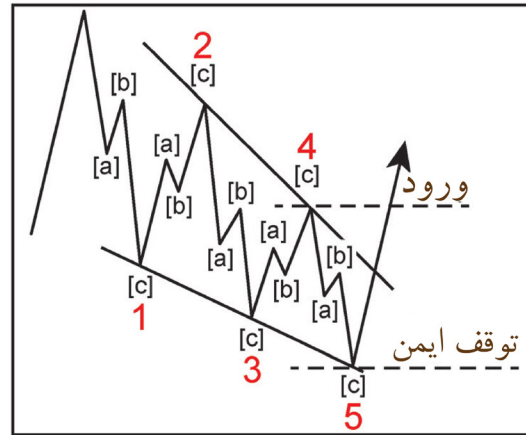
بازار نزولی

شکل ۱.۸

مورب خاتمه دهنده



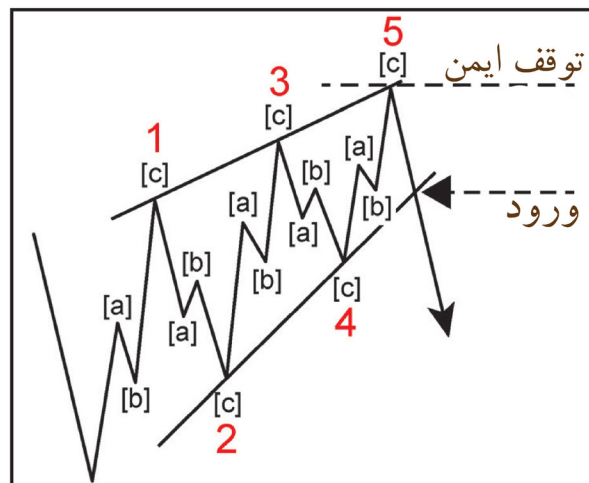
بازار صعودی



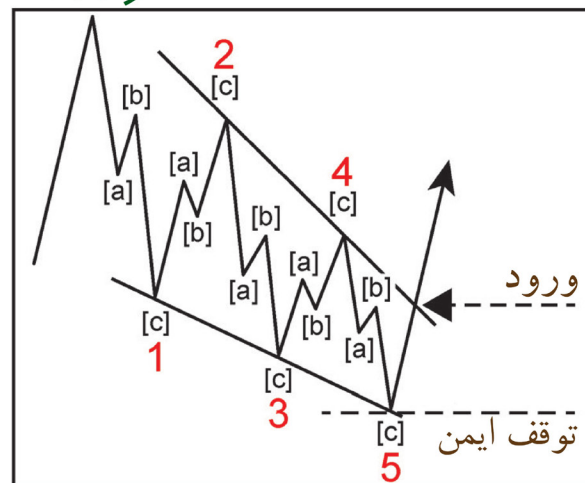
بازار نزولی

شکل ۱.۹

مورب خاتمه دهنده



بازار صعودی



بازار نزولی

شکل ۱.۱۰

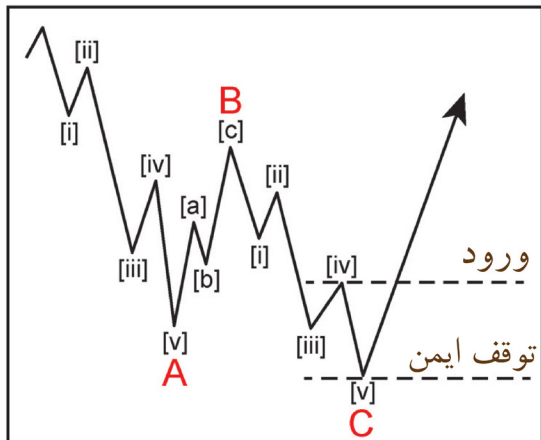
بررسی کنیم، مهم‌ترین قانون تحلیلی و معاملاتی من چنین است: اجازه دهید بازار شما را متعهد به انجام کاری کند، قبل از آنکه شما بازار را متعهد کنید؛ به عبارت دیگر به تأیید جنبش قیمت نگاه کنید. معامله بدون تأیید تغییر روند کاری غیرعقلانی است. دستورالعمل‌های زیر این ایده را ترکیب می‌کند و برای معامله‌گر از دو روش نفع دارد. اول، منتظر تأیید گرایش جنبش قیمت بمانید تا کاهش تعداد معاملات اجرایی شود. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات معامله‌گران تعداد زیاد معاملات است. دوم، به تنظیم معاملات با اطمینان بالا متمرکز شوید. اگر یک

معاملاتی ماندنی به حساب نمی‌آورم. ترجیح می‌دهم قبل از ورود به موقعیت معاملاتی، منتظر پایان یافتن امواج ۲ و ۴ بمانم. هرچند که بازار از موج‌های انگیزشی تشکیل شده است، هفته‌ها یا ماه‌ها برای انجام این کار فرصت داریم. در این مثال امواج ۲ و ۴ در هفته‌های متعددی شکل گرفته و ممکن است به معامله‌گران فرصت‌های معاملاتی بسیار کوتاه‌مدتی ارائه دهد.

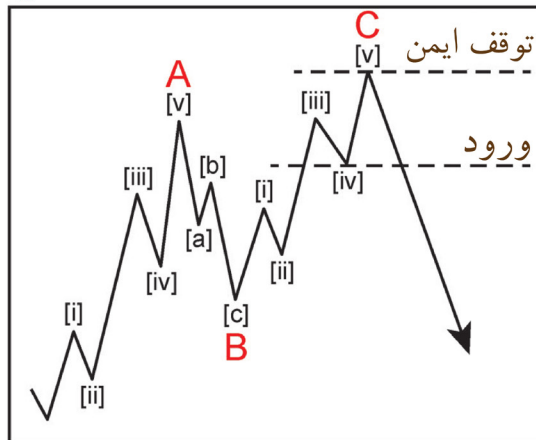
دستورالعمل‌های معاملاتی در الگوهای امواج ایوت

قبل از اینکه دستورالعمل معاملاتی الگوهای موجی ایوت را

زیگزاگ



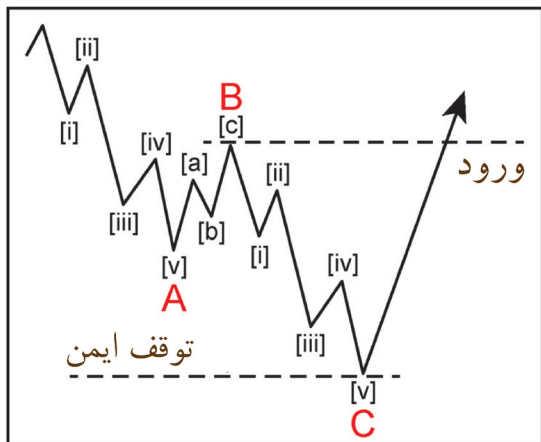
بازار صعودی



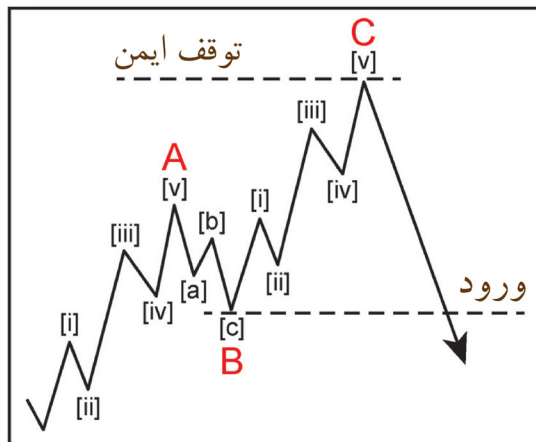
بازار نزولی

شکل ۱.۱۱

زیگزاگ



بازار صعودی



بازار نزولی

شکل ۱.۱۲

منتهای حرکت قیمت قرار دهید (به شکل ۱,۹ نگاه کنید).
به یاد داشته باشید این تکنیک ورود بیانگر رویکردی محافظه کارانه است که فکر می‌کنم شبیه «آماده‌باش، هدف، هدف، هدف... آتش» باشد.

اما اگر معامله‌گری تهاجمی‌تر هستید، چگونه می‌توانید با الگوهای قطری وارد معامله شوید. یکی از روش‌ها ورود پس از بسته شدن قیمت در فراتر از خط روند موج‌های ۲ و ۴ است. در این مثال، توقف اولیه مشابه است (شکل ۱,۱۰).

اگر خود را معامله‌گری تهاجمی میدانید، در اینجا یک روش برای ورود شما وجود دارد. موج ۳ به صورت قطری کوتاه‌تر از موج ۱ است.

زمانی که این مورد وجود دارد، قوانین می‌گوید که موج ۵ نمی‌تواند طولانی‌تر از موج ۳ باشد، از آنجاکه حتی در یک حرکت قطری قرار داشته باشیم، موج ۳ هرگز کوتاه‌ترین موج در میان امواج ۱، ۳ و ۵ نیست؛ بنابراین می‌توانید شروع به موقعیت‌گیری در هنگام پیدایش موج ۵ نمایید.

توقف در زیر این روش ورود تهاجمی قرار دارد که در آن نقطه، موج ۵ بلندتر از موج ۳ می‌شود، زیرا قاعده امواج مشخص‌کننده نقطه خاص نامعتبر است.

زیگزاگ

اولین دستورالعمل برای ورود به معامله در زیگزاگ‌ها این است که در وقفه انتهایی موج [IV] از C وارد شوید؛ به شرطی که این

معامله‌گر معتقد است که بازار در سقف قرار دارد و قیمت‌ها در واقع این باور را اثبات می‌کند، پس احتمال بیشتری وجود دارد تا آن معامله‌گر دادوستدی موفق داشته باشد.

امواج انگیزشی

هر زمان که یک موج انگیزشی کامل شود، دستورالعمل‌های امواج ایوت با توجه به عمق امواج اصلاحی اعمال می‌شود: «اصلاحی‌ها به خصوص زمانی که در امواج چهارم هستند، تمایل به ثبت حداکثر اصلاح درون محدوده حرکت موج چهارم قبلی از یک درجه کمتر دارند و اغلب در نزدیکی سطح پایانی خود قرار می‌گیرند».

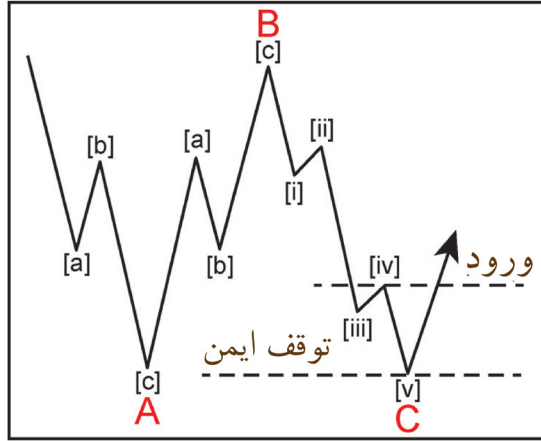
قواعد امواج ایوت اصل توسط Prechter و Frost

هرچند ممکن است دستورالعمل‌ها پیچیده باشد، با دنبال کردن معاملات واقعی آسان می‌شود. این روش معاملاتی وارد شدن در وقفه موج (IV) از ۵ (شکل ۱,۸) است. این کار مانع از ناخنک زنی در سقف قیمت‌ها می‌شود و نیاز به نوسان پیشین بازار است و مدرکی ابتدایی است که موج انگیزشی حقیقتاً به پایان رسیده است. توقف‌های اولیه را در منتهای حرکت قیمت قرار دهید.

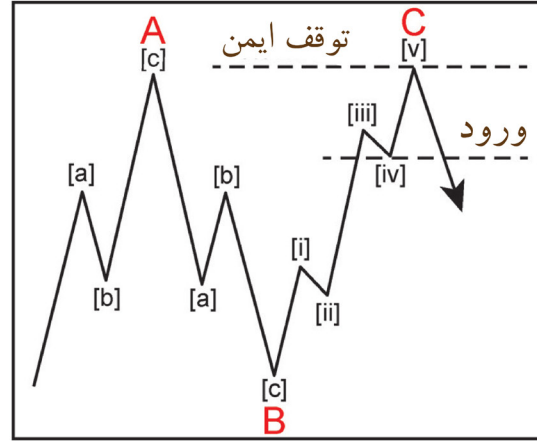
مورب خاتمه دهنده

دستورالعمل‌های ورود و توقف اولیه در الگوهای قطری شبیه امواج انگیزشی است: قبل از باز کردن موقعیت معاملاتی برای وقفه قیمت‌ها در موج ۴ صبر کنید و محل توقف اولیه را در

مسطح



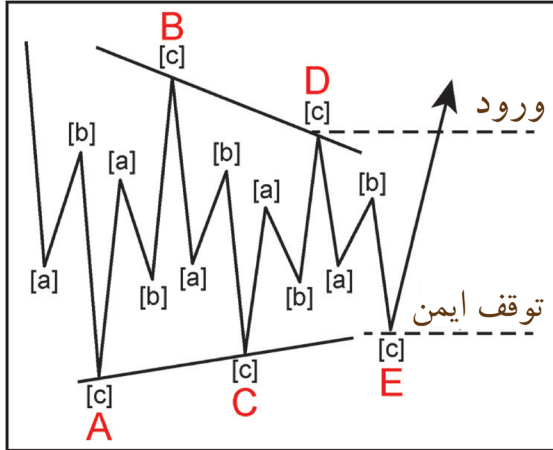
بازار صعودی



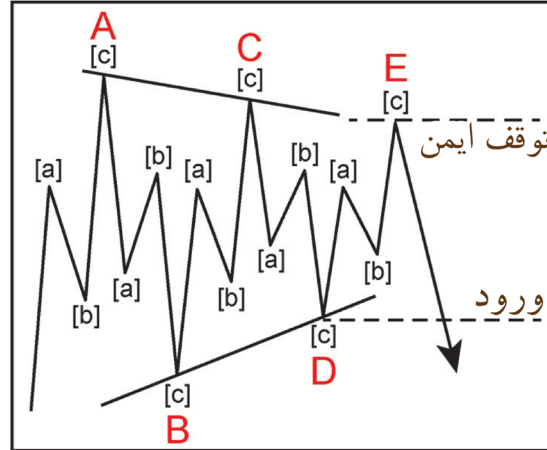
بازار نزولی

شکل ۱.۱۳

مثلث



بازار صعودی



بازار نزولی

شکل ۱.۱۴

سطح فراتر از پایان موج A (به شکل ۱،۱۱ نگاه کنید) باشد.

دستورالعمل ورود دوم این است که برای انتهای موج B صبر کنید (شکل ۱،۱۲). توقف اولیه در انتهای موج C قرار دارد. این رویکرد محافظه کارانه مانع از ناخنک زنی در سقف یا کف بدون شواهد کافی است.

در حالت ایدئال، معامله گران این دستورالعمل‌ها را با سبک خاص معاملاتی خود انطباق می‌دهند. در واقع با استفاده از به‌عنوان مثال یک زیگزآگ، معامله گر می‌تواند محافظه کارانه‌تر رفتار کند و قبل از ورود بیشتر صبر کند تا یک حرکت پنج موجی از طریق موج B که پیرو موج اصلاحی است فراهم شود.

سطح (پهنه)

از آنجا که موج اصلاحی مسطح نهایتاً به پنج موج تقسیم می‌شود، توصیه می‌شود روش ورود شبیه موج انگیزشی باشد: صبر کنید تا قیمت‌ها به انتهای موج (چهارم) از C برسد تا به معامله وارد شوید (به شکل ۱،۱۳ مراجعه کنید).

این رویکرد به زیگزآگ (در آن موج C نیز به پنج موج تقسیم می‌شود) شباهت ندارد؛ زیرا به‌عنوان مثال در زیگزآگ صعودی، موج (IV) از C در زیر موج A خاتمه می‌یابد، درحالی که مسطح صعودی، تمایل دارد به بالای منتهی‌الیه موج A برود.

مثلث

دستورالعمل نهایی در مورد مثلث‌ها اعمال می‌شود (به شکل ۱،۱۴ مراجعه کنید). مثلث یک حرکت رو به پهلوی قیمت‌ها است

(معمولاً با خطوط روند همگرا محدود شده است) که به امواج A، B، C، D، E تقسیم شده است.

دستورالعمل ورود، صبر برای وقفه قیمت‌ها در منتهی‌الیه موج D است و محل توقف اولیه در خاتمه موج E قرار دارد. من روش ورود تهاجمی‌تر را تأیید نمی‌کنم؛ زیرا مثلث‌ها گاهی اوقات فریبنده هستند: از آنجا که آن‌ها می‌توانند به شکل موج ۴، B یا موقعیت‌های موج X درآیند.

یک معامله گر با سبک معاملاتی تهاجمی‌تر به احتمال زیاد قبل از نفوذ قیمت‌ها به نقطه پایان موج D وارد موقعیت معاملاتی می‌شود. اگر چنین است توصیه می‌کنم از منتهی‌الیه موج A به جای پایان موج C به‌عنوان توقف اولیه استفاده نمایید. در بازارهای سهام کم معامله، حرکت روزانه قیمت به فراتر از موج C و وارونه شدن آن غیر معمول نیست.

مدیریت ریسک و روانشناسی معاملات

دو موضوع مهم که باعث بدل شدن به معامله گری موفق می‌شود، مدیریت ریسک و تسلط روانی بر معاملات است. مدیریت سرمایه و ریسک برای بقا و استمرار پیروزی‌های یک معامله گر امری حیاتی است، پس اجازه دهید به‌طور خلاصه توضیحاتی در خصوص نسبت بازده/ریسک یا بازده/زیان و حجم سرمایه‌گذاری (اندازه معامله) بیان نمایم.

نسبت ریسک/بازده

ریسک به بازده نسبتی است که مقدار زیان به سود حاصل از یک

نکاتی برای سرمایه‌گذاران هوشمند

روانشناسی فردی کلید تبدیل شدن به یک معامله گر همواره موفق است.

تعریف ریسک به بازده:

نسبت ریسک به بازده برای مقایسه بازده مورد انتظار در برابر میزان خطر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نسبت ۳:۱، برای همان ۱۰۰ دلار سود، چهار معامله برنده خواهد شد و رقم سود خالص به ۱۲۰۰ دلار می‌رسد. اگر ۶۰۰ دلار زیان معاملات بازنده را تفریق کنیم، ۶۰۰ دلار باقی می‌ماند.

این تفاوت نشان می‌دهد که نسبت ریسک/بازده چقدر مهم است (اگر احتمال معاملات برنده را از ۷۰ درصد به تقریباً ۴۰ درصد کاهش دهیم، افزایش نسبت ریسک/بازده باعث افزایش ۵۰ درصد سودآوری می‌شود).

یک تصور غلط در مورد معاملات این است که معامله‌گر تنها باید در جهت بازار سود کسب کند. این کاملاً درست نیست. همان‌طور که دیدید، یک معامله‌گر می‌تواند کمتر از ۴۰ درصد از مواقع پیروز شود و هنوز هم موفق باشد، به این شرط که نگاهش به نسبت ریسک/بازده معطوف باشد.

حجم سرمایه‌گذاری (اندازه معامله)

یک معامله‌گر با چه حجم سرمایه‌ای وارد یک موقعیت معاملاتی شود؟ ریسک یک موقعیت معاملاتی منفرد هرگز نباید از ۱ تا ۳ درصد ارزش سبد سهام فراتر برود. معامله‌گران خرد این درصد کوچک را برنمی‌تابند، درحالی‌که معامله‌گران حرفه‌ای از آن استقبال می‌کنند.

بنابراین با ۱ درصد، برای یک حساب ۵۰۰۰ دلاری، معامله‌گر تنها ۵۰ دلار در هر موقعیت معاملاتی خطر می‌کند. به‌عنوان مثال، یک معامله‌گر با یک حساب ۱۰۰۰۰ دلاری در هر دو معامله خود می‌تواند ۵۰ دلار خطر کند که در مجموع ۱۰۰

معامله را نشان می‌دهد. اگر سهام XYZ را به قیمت ۵۱۰۰ دلار خریداری نمایید و انتظار داشته باشید که قیمت آن به ۵۱۰۰ دلار برسد، سود مورد انتظار در این معامله ۱۰۰ دلار است. اگر حدّ زیان را در ۴۹۰۰ دلار قرار دهید، نسبت ریسک/بازده این معامله ۱ به ۱ است؛ زیرا برای کسب ۱۰۰ دلار بازدهی بایستی ۱۰۰ دلار خطر کنید. اگر حدّ زیان خود را در ۴۹۹۰ دلار قرار دهید، آنگاه نسبت ریسک/بازده شما ۱ به ۱۰ می‌شود.

توجه: این نسبت، نسبت ریسک/بازده نامیده می‌شود، به‌طور معمول ابتدا رقم بازده محاسبه می‌شود. در مثال فوق علی‌رغم آنکه زیان (ریسک) ۱ و بازده ۱۰ است، نسبت مذکور به‌جای ۱ به ۱۰ به‌صورت ۱۰ به ۱ بیان می‌شود. این مسئله توضیح می‌دهد که چرا نسبت ۳ به ۱ مطلوب است. درواقع این نسبت، پاداش به خطر است.

نسبت خطر/پاداش بالا به‌عنوان تابعی از احتمالات مطلوب محسوب می‌شود. فرض کنید در ۷۰ درصد از مواقع بازار با شما همگام است (۷۰٪ معاملات شما موفقیت آمیز است) و نسبت ریسک/بازده در هر یک از معاملات شما ۱:۱ است؛ بنابراین ۷ معامله از ۱۰ معامله شما با سود ۱۰۰ دلاری بسته می‌شود، درحالی‌که از سه معامله با زیان ۱۰۰ دلاری خارج خواهید شد. بازده خالص ۴۰۰ دلار می‌شود.

فکر می‌کنید اگر نسبت ریسک/بازده را از ۱:۱ تا ۱:۳ بالا ببریم و احتمال درست بودن معاملات را از ۷۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش دهیم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ با استفاده از این

نکاتی برای سرمایه‌گذاران هوشمند

از معاملاتی با نسبت ریسک/بازده کمتر از ۱ به ۳ اجتناب کنید.

نکاتی برای سرمایه‌گذاران هوشمند

معاملات موفق نیاز به یک سبک معاملاتی و نظم و انضباط در دنبال کردن آن روش دارد.

فقدان سبک

اگر هدف شما مبدل شدن به معامله‌گری همواره موفق است، پس باید یک روش معاملاتی برای بررسی بازار تعریف کنید (راهی ساده، روشن و مختصر برای مشاهده بازار). درواقع، سبک معاملاتی بدان میزان مهم است که رابرت پرچر بنیان‌گذار قواعد امواج الیوت آن را در صدر فهرست مقاله خود به نام «یک معامله‌گر برای موفقیت به چه چیزهایی نیاز دارد» قرار داده است.

حدس زدن یا پیش رفتن با گزینه در درازمدت پاسخگو نخواهد کرد. اگر تعریفی از یک سبک معاملاتی ندارید، پس راهی برای دانستن آنچه به‌منزله هشدار خرید یا فروش است در اختیار ندارید.

چگونه بر این مشکل غلبه کنیم؟ پاسخ این است که روش خود را بنویسید. ابزارهای تحلیلی خود را بنویسید و مهم‌تر از آن بنویسید چگونه می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید. مهم نیست که با استفاده از قواعد امواج، نمودار نقطه و رقم، استوکاستیک، RSI و یا ترکیبی از همه این‌ها کار می‌کنید. آنچه مهم است درواقع تلاش شما برای تعریف آن چیزی است که به‌منزله خرید، فروش و دستورالعمل‌های مربوط به ورود و خروج به یک موقعیت معاملاتی است. بهترین تذکری که می‌توانم در مورد تعریف سبک معاملاتی‌تان بدهم این است: اگر نمی‌توانید آن را روی کارت ۳ در ۵ بنویسید، احتمالاً سبک شما خیلی پیچیده است.

دلار می‌شود. بسیاری از معامله‌گران در معاملات خود شکست می‌خورند؛ زیرا آن‌ها سرمایه کافی برای باز کردن موقعیت‌های معاملاتی موردنظر خود را در اختیار ندارند. اگر یک حساب معاملاتی کوچک دارید، می‌توانید با معاملات کوچک بر این چالش غلبه کنید. می‌توانید قراردادهای کمتر یا حتی سهام کم‌ارزش (penny stocks) بخرید.

در مسیر تبدیل‌شدن به معامله‌گری همواره موفق بایستی درک کنید که طول عمر مسئله‌ای کلیدی است. اگر میزان ریسکتان در هر موقعیت معاملاتی نسبت به کل سرمایه‌تان اندک باشد، پس می‌توانید یک رگه زیان را تحمل کنید. برعکس اگر ۲۵ درصد از سرمایه‌تان را در هر معامله در معرض خطر قرار دهید، پس از چهار معامله بازنده متوالی از بازار خارج خواهید شد.

روانشناسی معاملات

درحالی‌که به نظر من مدیریت ریسک مؤلفه‌ای اساسی در معاملات موفق است، کلید واقعی روانشناسی است (روانشناسی فردی). بیایید تعدادی از عوامل روان‌شناختی که موانعی برای پیروزی معامله‌گران محسوب می‌شود مرور کنیم. این عوامل عبارت‌اند از: فقدان سبک، فقدان نظم، انتظارات غیرواقعی، فقدان صبر.

خواه معامله‌گری حرفه‌ای باشید خواه تازه‌کار، بایستی بدانید که روانشناسی نقشی اساسی در موفقیت یا شکست شما در بازار بازی می‌کند.

نکاتی برای سرمایه‌گذاران هوشمند

با انتظارات واقع‌بینانه وارد بازار شوید. به‌عنوان مثال هدف هر معامله‌گری در سال اول باید حفظ سرمایه باشد؛ به‌عبارت‌دیگر برای بازگشت سرمایه صفر درصدی در سال اول تلاش کنید.

فقدان نظم و انضباط

هنگامی که سبک معاملاتی خود را به وضوح مشخص نمودید، باید نظم و انضباط برای دنبال کردن سیستم معاملاتی خود داشته باشید. بی‌نظمی در معاملات عامل دوم سقوط مشترک بسیاری از معامله‌گران مشتاق است. اگر امروز روش مشاهده نمودار قیمت یا ارزیابی زمینه‌چینی برای یک معامله بالقوه متفاوت از چیزی نیست که یک ماه پیش انجام می‌دادی، پس روش خود را شناسایی نکرده‌اید یا فاقد نظم و انضباط برای دنبال کردن سبکتان هستید. فرمول موفقیت این است که همواره یک روش اثبات‌شده را بکار گیرید.

انتظارات غیر واقعی

هیچ چیز بیشتر از این جمله تبلیغاتی که اگر ۵۰۰۰ دلار در گاز طبیعی سرمایه‌گذاری می‌کردید، می‌توانستید بیش از ۴۰ هزار دلار سود کسب کنید مرا عصبانی نمی‌کند. تبلیغات مثل این زیانی بزرگ برای صنعت مالی محسوب می‌شود و در نهایت سرمایه‌گذاران ناآگاه هزینه‌ای خیلی بیشتر از ۵ هزار دلار پرداخت خواهند کرد. علاوه بر این، آن‌ها به ایجاد ذهنیت‌های مخربی به نام داشتن انتظارات غیر واقعی دامن می‌زنند. بله بازدهی بالاتر از میانگین حساب معاملاتی ممکن است. با این حال در نظر نگرفتن ریسک بالاتر از میانگین قدری دشوار است؛ بنابراین بازگشت واقعی سرمایه در سال اول معامله‌گری‌تان چقدر است؟ ۵۰ درصد، ۱۰۰ درصد، ۲۰۰ درصد است. بایستید،

اجازه دهید انتظارات غیر واقعی را مهار کنیم. به نظر من هدف هر معامله‌گر در نخستین سال باید حفظ سرمایه‌اش باشد؛ به عبارت دیگر به دنبال بازگشت سرمایه صفر درصدی در سال اول باشد. اگر بتوانید سرمایه‌تان را مدیریت کنید، در سال دوم سعی کنید به عملکردی بهتر از شاخص S&P۵۰۰ و داوجونز برسید. این اهداف ممکن است پرزرق‌وبرق نباشد، اما واقع‌بینانه است.

فقدان صبر

دام روانی چهارم که حتی معامله‌گران باتجربه بدان گرفتار می‌شوند، عدم صبر و شکیبایی است. ادواردز (Edwards) و مگی (Magee) در کتاب خود به نام تجزیه و تحلیل تکنیکی روند سهام (Technical Analysis of Stock Trends) بیان داشته‌اند که بازار تنها در حدود ۳۰ درصد از مواقع دارای روند است. این بدان معنی است که بازارهای مالی در ۷۰ درصد دیگر روند دار نیستند.

این درصد اندک توضیح می‌دهد که چرا معتقدم که در هر مقیاس زمانی، تنها دو یا سه فرصت معاملاتی واقعاً مناسب وجود دارد. برای مثال اگر معامله‌گری بلندمدتی هستید، به‌طور معمول تنها دو یا سه حرکت قانع‌کننده قابل معامله در بازار در طول هر سال پدیدار می‌شود. به‌طور مشابه اگر یک معامله‌گر کوتاه‌مدتی هستید، تنها دو یا سه فرصت معاملاتی با کیفیت بالا در یک هفته بروز می‌کند.

از آنجایی که معامله کردن ذاتاً هیجان‌انگیز است (هر چیزی

که شامل پول و سود باشد معمولاً هیجان‌انگیز است)، در اغلب اوقات احساس می‌کنید که چون معامله‌ای نداشته‌اید، پس چیزی گم کرده‌اید. در نتیجه شروع به باز کردن موقعیت‌های معاملاتی با کیفیت کمتر و کمتر نموده و دچار افراط در معامله کردن (overtrade) می‌شوید. چگونه می‌توانید بر عدم صبر غلبه کنید؟ به خودتان یادآوری کنید که هفته‌های دیگری هم در طول یک سال وجود دارد؛ به عبارت دیگر، در مورد از دست دادن فرصت امروز نگران نباشید، زیرا یکی دیگر در فردا، هفته بعد و ماه آینده پدیدار می‌شود... قول می‌دهم.

برای اطلاعات بیشتر

نسخه رایگان کتاب امواج الیوت نوشته فراست و پرچر را مطالعه کنید. همچنین آموزه‌هایی در زمینه تجزیه و تحلیل امواج الیوت، چگونگی معامله با الگوهای خاص، نحوه استفاده از فیبوناچی و دیگر اندیکاتورهای تکنیکی برای افزایش اطمینان در اعمال قواعد امواج در این وبسایت موجود است.

www.elliottwave.com/wave/ReaderResources

خود را بیازمایید

- به سؤالات زیر با درست یا نادرست پاسخ دهید:
۱. تحلیل گری و معامله‌گری مجموعه مهارت‌های یکسانی هستند.
 ۲. تجزیه و تحلیل امواج، شناسایی جهت روند بر اساس جهت موج انگیزشی است.
 ۳. قواعد امواج نقاط باطلی را مشخص می‌کند که معامله‌گران می‌توانند در آن نقاط، تجزیه و تحلیل اشتباه خود را مجدداً ارزیابی کنند.
 ۴. موج ۲ گاهی اوقات می‌تواند بیش از ۱۰۰ درصد از موج ۱ را اصلاح کند.
 ۵. چرخه کامل امواج الیوت شامل ۹ موج است.
 ۶. فرصت‌های معاملاتی از ابتدا تا انتهای امواج ۲ و ۴ و با اطمینان بالا بروز می‌کنند.
 ۷. رویکرد تهاجمی در معامله با مورب‌های خاتمه دهنده این است که منتظر منتهی‌الیه موج ۴ باشیم.
 ۸. اگر تأیید کنش قیمت را تماشا کنید، اجازه داده‌اید قبل از آنکه خود را به بازار متعهد کنید، بازار به شما متعهد باشد.
 ۹. دستورالعمل ورود به معامله با زیگزاگ‌ها این است که منتظر منتهی‌الیه موج B بمانیم.
 ۱۰. نسبت ریسک/بازده ۱:۱ رقمی ایدئال است.